



متولد خوارزم ، مدفون در غزنه

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی از دانشمندان بزرگ اسلامی در علوم حکمت، اخترشناسی، ریاضیات، تاریخ و جغرافیا مقامی ارزنده داشته است. او سال ۳۶۲ هجری قمری حوالی خوارزم متولد شده و گفته‌اند از این جهت به بیرونی یعنی خارج از خوارزم معروف شده است. اکنون نزدیک به ۱۰۱۳ جلد کتاب در حوزه‌های

مختلف دانش بشری را به بیرونی نسبت می‌دهند.

ابوریحان بیرونی سال ۴۴۰ هجری در ۷۸ سالگی در غزنه بدرود حیات گفت و همان جا مدفون شد. اکنون آرامگاه بیرونی یکی از غریب‌ترین مزارهای دانشمندان درگذشته و فراموش شده این دیار است. هر چند حالا قرار

است آرامگاه او در افغانستان بازسازی شود، اما او هم مانند دیگر بزرگانی که مقبره‌شان امروزه در مرزهای این کشور واقع شده، تحت تاثیر جنگ و ناامنی‌ها فراموش شده و یا نادیده گرفته شده‌اند. حتی برخی آرامگاه‌ها آسیب‌هایی دیده‌اند که نیاز به مرمت و بازسازی مجدد دارند.

دو چشم عرفان



ابوالمجد بن آدم سنایی، معروف به حکیم سنایی از شاعران نامی در قصیده‌گویی و مثنوی سرایی در زبان فارسی است. همان کسی که مولانا به او لقب دو چشم عرفان را می‌دهد.

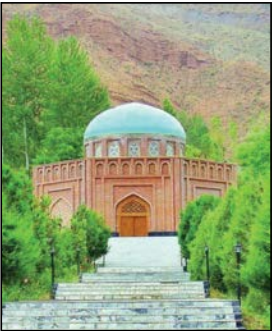
سنایی در غزنی به دنیا آمد. در جوانی به سفر روی آورد و از شهرهای بلخ، سرخس، هرات و نیشابور دیدن کرد. وی در میانسالی به غزنی

بازگشت و تا پایان عمر در این شهر باقی ماند. سنایی برای نخستین بار توانست مفاهیم و مضامین بلند عرفانی و اخلاقی را به شعر فارسی وارد کند و به این دلیل بر مولانا نیز تاثیر داشت. آرامگاه سنایی در غرب شهر غزنی قرار دارد. بنای این مقبره قدمتی ۵۰ ساله دارد و ارزش معماری و هنری ندارد.

انوری و دیگران در افغانستان

انوری از استادان مسلم قصیده سرایی در شعر فارسی متولد روستای ایبورد در خراسان بوده است. این شاعر حالا چند قبر دارد؛ یکی در مقبره الشعرای تبریز و دیگری در بلخ. ضمن این که در برخی تذکره‌ها هم آمده که مقبره‌اش در نیشابور است. در هر صورت می‌دانیم انوری یک قبر در بلخ دارد و یک قبر هم در مقبره الشعرا. عصری بلخی، منوچهری دامغانی، مسعود سعد سلمان، جامی و ابوالقاسم هجویری هم دیگر مشاهیر ادبیات کلاسیک ایران هستند که حالا مقبره شان خارج از مرزهای ایران واقع شده است.

پدر شعر فارسی در تاجیکستان

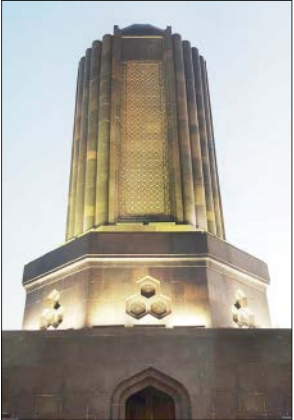


رودکی نخستین شاعری است که به زبان فارسی شعر گفته و از این رو به پدر شعر فارسی معروف است. رودکی را همچنین مبتکر قالب شعری رباعی می‌دانند. مقبره پدر شعر فارسی در روستای زادگاهش «پنج رود» در شمال تاجیکستان قرار دارد. مزار رودکی تا سال ۱۹۵۸ میلادی ناشناخته بود. در این سال صدرالدین عینی و پروفسور روس میخائیل گراسیمف توانستند محل مزار را پیدا کنند. از سال ۲۰۰۲ هر ساله ۲۲ سپتامبر، روز رودکی مراسم گرامیداشت این شاعر در آرامگاهش برگزار می‌شود.

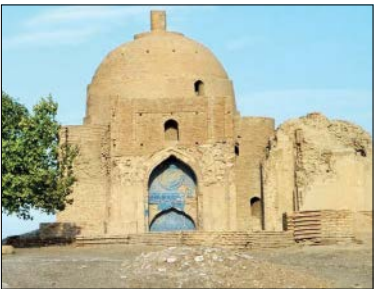
داستان سرایی شاعرانه

جمال الدین ابومحمد متخلص به نظامی، به پیشوای داستان سرایی شناخته می‌شود. مهم‌ترین اثر نظامی خسه یا پنج گنج است که شاهکاری در داستان سرایی ایرانی محسوب می‌شود. مقبره نظامی در شهر گنجه آذربایجان قرار دارد.

متاسفانه در این بنا به‌جز چند ردیف کاشی که ابیاتی از نظامی روی آن نگاشته شده، اثری از معماری ایرانی وجود ندارد. جمهوری آذربایجان چند سالی است قصد تحریف هویت نظامی را دارد و وی را شاعر بزرگ آذربایجانی لقب داده است. این در حالی است که نظامی تمام اشعارش به زبان فارسی بوده و طبق منابع حتی به زبان ترکی صحبت نمی‌کرده است.



شاعر عارف در ترکمنستان



ابوسعید فضل...!... مشهور به ابوسعید ابوالخیر از عارفان و شاعران خاص ایرانی است. نام او به دلیل مقام و منزلت بالایی که در عرفان کسب کرده بود، در کنار حلاج، بایزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی قرار می‌گیرد.

آرامگاه ابوسعید ابوالخیر در حومه شهرک مهنه، در ۱۳۰ کیلومتری جنوب شرقی ترکمنستان و در

نزدیکی مزار ایران قرار گرفته است. مزار ابوسعید ابوالخیر به عنوان یکی از زیارتگاه‌های مهم ترکمنستان شناخته می‌شود و روزانه بازدیدکنندگان بسیاری را پذیراست.

از آنها چه می‌دانیم؟

در میان این نام‌های کنار هم چیده شده که هر کدام به یک سنگ قبر و چندین و چند کتاب ماندگار تعلق دارند، بخش‌های بزرگی از فرهنگ ایران نهفته است؛ فرهنگی که ما مردمان این روزگار چندان نمی‌شناسیمش. شناخت بخش گسترده جامعه از مولوی به اندازه رمان ملت عشق الیف شافاک است و سهمش یک خیابان قدیمی در تهران و احتمالا هم شهرهای دیگر سنایی که بزرگ عرفان ایرانی است سرنوشت مشابهی دارد. همین‌طور ناصرخسرو که خیابانی به نامش ثبت شده که دارفروش‌ها در آن شیلنگ تخته می‌اندازند. رودکی، خواجه عبدا... انصاری، نظامی... همه‌شان سرنوشتی مشابه دارند و کشورهای همسایه هم در تلاشند تا آنها را به عنوان میراث معنوی خود ثبت کنند. هر چند نه مردم ترکیه می‌توانند شعرهای مولانا را بخوانند و نه مردم آذربایجان توان خواندن اشعار نظامی را دارند. مردم تاجیکستان هم رودکی را ستایش می‌کنند، اما نمی‌توانند اشعارش را با همان رسم الخطی که خودش نوشته، بخوانند، اما همه‌شان خود را بیش از ایران نسبت به آنها صاحب و محق می‌دانند. کاش همه این اسم‌ها رایک‌بار

مختصر بررسی کنیم تا ببینیم چه گنج بزرگی در خانه

همسایه‌ها داریم و از

آن غافلیم.



که حالا بسیاریند نویسندگان و شاعران بزرگی که روزگاری در محدوده سرزمینی ایران می‌زیسته‌اند، به زبان فارسی شعر و داستان و تاریخ نوشته‌اند، اما حالا سنگی که روی گورشان قرار گرفته و مدفون آنها را نشان می‌دهد، جایی خارج از مرزهای ایران امروزی قرار گرفته است. به بهانه هفته بزرگداشت مولانا که امروز همزمان با سالمرگش در کشور ترکیه و شهر قونیه که مدفون اوست برگزار می‌شود، رقتیم سراغ نام‌های بزرگی که حالا خارج از مرزهای ایرانند، اما همیشه جان ایران خواهند بود.

راوی بردار کردن حسنک

تاریخ بیهقی را که به خاطر دارید؟ هر قدر هم نخوانده باشیدش ماجرای تاثیرگذار «روایت بر دار کردن حسنک وزیر» را به خاطر خواهید داشت. جناب ابوالفضل بیهقی سال ۳۷۰ در روستای حارث‌آباد بیهق در نزدیکی سبزوار خودمان به دنیا آمده و سال ۴۵۶ هم در غزنین درگذشته است. او مورخ و نویسنده معروف ایرانی در دربار غزنوی است و کتاب معروفش یعنی همان تاریخ بیهقی مهم‌ترین منبع تاریخی در مورد دوران غزنوی است.

این مورخ در روزگار عبدالرشید غزنوی، هفتمین امیر غزنوی، بیهقی به بالاترین مقام در دیوان، صاحب دیوان رسالت رسید. در همین دوران گرفتار تهمت و کین بداندیشان شد. امیربدگمان او را از کار برکنار کرد و به زندان انداخت، بعد از قتل امیر هم باز او به زندان افتاد سپس در ۴۳ سالگی نگارش کتاب سی جلدی تاریخ بیهقی را آغاز کرد. از این کتاب تنها شش جلد مانده است. جلد نخست موجود نیز از میانه آغاز می‌شود.

بیهقی ۸۵ سال زیست و در سال ۴۵۶ درگذشت و به این ترتیب ۱۹ سال پس از اتمام تاریخ خویش زنده بوده و هرگاه به اطلاعات تازه‌ای در زمینه کار خود دسترسی می‌یافته، آن را به متن کتاب می‌افزوده است.

زندانی دره یمگان



در برخی منابع آمده حافظ کل قرآن بوده و طی از سر گذراندن تحولات روحی خاصی دربار را رها کرده و از مشاغل حکومتی کناره‌گیری می‌کند. همین موضوع هم سال‌ها تبعید در دره یمگان را برایش رقم می‌زند.

گفتیم ناصرخسرو جهانگرد هم بوده است. سفرنامه معروفش را که به خاطر دارید؟ اگر نخوانده باشید هم حتما نامش را شنیده‌اید. دیوان قصایدش هم در بردارنده اشعاری است که نشان می‌دهد او بر اغلب علوم عقلی و نقلی زمان خود از قبیل فلسفه، حساب، طب، موسیقی، نجوم و کلام احاطه کامل داشته است.

سنگ‌ها بر گورها می‌مانند. چند سال؟ به عوامل متعددی بستگی دارد، وگرنه که زمان می‌گذرد و سنگ‌ها را هم از روی گورها برمی‌دارد و با خود می‌برد. سنگ‌هایی اما بر گورها می‌مانند؛ نه یک دهه و دو دهه و چند دهه، که قرن‌ها می‌مانند و می‌شوند بخشی از فرهنگ یک ملت.

کشورکشای‌ها، بازی‌های سیاستمداران و ... مرزهای کشورها را در طول تاریخ بارها و بارها جابه‌جا کرده است. آن‌قدر



زینب مرتضایی‌فرد

ادبیات و هنر

تولد در بلخ، مقبره در قونیه



مولانا از شاعران و عارفان بزرگ ایرانی همان‌طور که گفتیم در قونیه به خاک سپرده شده و هر سال هم این شهر کوچک به بهانه وجود مقبره مولانا گردشگران بسیاری را به خود جلب می‌کند. مولانا معروف‌ترین شاعر ایرانی است که خارج از مرزهای ایران به خاک سپرده شده است. او متولد بلخ است، شهری در افغانستان امروزی. هنوز هم ویرانه‌هایی از خانه پدری مولانا در این شهر قرار دارد.

پدرش سلطان العلما احتمالا در سال ۶۱۰ و همزمان با هجوم چنگیز خان مغول از بلخ کوچ می‌کند. سپس با دعوت علاءالدین قیقباد سلجوقی به قونیه رهسپار می‌شود و تا اواخر عمر همان‌جا ماندگار می‌شود. مولانا هم در تا پایان عمر خود در این شهر زندگی می‌کند و مجالس و عظ و کلاس‌های درس خود را همانجا برگزار می‌کرده است، اشعارش را هم همان‌جا می‌سراید، همان‌جا با شمس تبریزی آشنا می‌شود و زندگی‌اش دستخوش تحولات بسیار مثنوی معنوی و مجموعه غزلیاتش هم شهرت جهانی دارند. حالا بسیاری در سه کشور امروزی یعنی ایران و افغانستان و ترکیه بر سر تصاحب مولانا درگیری دارند و او را متعلق به خود می‌دانند، اما مولانا در جغرافیایی به دنیا آمده که جزو خاک ایران بوده و این واقعیت قابل کتمان نیست.

جان به در بردن مقبره پیر هرات



خواجه عبدا... انصاری را با مناجات‌نامه‌اش می‌شناسیم. او سال ۳۸۵ در شهر هرات واقع در افغانستان امروزی به دنیا آمد و ۴۷۶ هم در همین شهر درگذشت. مقبره او اکنون در افغانستان بسیار مورد توجه مردم است و البته به سبب نگارش مناجات‌نامه توانسته از تخریب‌های طالبان جان سالم به در ببرد و هنوز سرپا باشد.

او را به عنوان مفسر قرآن، محدث،

اهل فن جدل و استاد اخلاق هم

می‌شناخته‌اند اما عمده شهرتش

به خاطر فن سخنوری، اشعار و

متون نغز و بی‌ماندش، به‌خصوص در مدح و ثنای خداوند به زبان‌های عربی و فارسی

بوده‌است. از رسائل منشور او که به نثر مسجع نوشته مناجات‌نامه، نصایح، زادالعارفین،

کنزالاسالکین، قلندرنامه، محبت‌نامه، هفت حصار، رساله دل و جان، رساله واردات و

الهی‌نامه را می‌توان نام برد.